

آینه

پرسش جدی روحانی

● اوباما با ورود بدون هماهنگی و غیرمترقبه به جلسه نیمه‌مخفی رؤسای جمهور چین و هند، آنها را وادار به پذیرش معاهده آب و هوایی پاریس کرد و سیدمحمد خاتمی با فرار راهرو به راهرو از دست کلینتون، به گذشته‌شدن سنگ بنای ستون جدید خصومت آمریکا با ایران، تهدیدهای کمرشکن منجر به برجام واز همه بدتر ظهور احمدی‌نژاد - که از قضا برای بازکردن باب گفت‌وگو با آمریکا التماس می‌کرد - کمک رساند. ترس محمد خاتمی، هزینه سنگین به ملت ایران وارد کرد. [ترامپ] ساعتی پس از آن نعره‌ها توسط عقلاي حکومتش وادار شده تقاضای دیدار با روحانی را از طریق مطمئن و رئیس‌جمهور فرانسه عرضه کنند. روحانی با چه استدلالی این دعوت را درجا رد کرده است؟ اگر به جای نه به رئیس‌جمهور فرانسه به او می‌گفت فردا پاسخ حرف‌های ترامپ را پشت‌تربیین می‌دهد و بعد اگر باز هم درخواست خود را تکرار کرد ملاقات می‌کنیم، کار اشتباهی کرده بود؟ اگر نه با گاو وحشی نزدیک می‌شد و ضربه‌ای احتمالی می‌دید، از واردشدن شاخ کاستا به کل اقتصاد ایران بهتر نبود؟

قانون

- به نظر می‌رسد این‌بار برخلاف نوبت قبل که در

۹۲ سال لایحه منتشر شد و بازتاب منفی بسیاری داشت، تصمیم گرفتند که بی‌سروصدا و با سکوت کار را پیش ببرند. انتشار خبر و همچنین متن لایحه در سال ۹۲ واکنش‌های بسیاری را با خود به همراه داشت و به نظر می‌رسد برای دولت تبدیل به تجربه معکوس شد. لایحه‌ای که اکنون در هیئت دولت مطرح است، استقلال و امنیت و آزادی روزنامه‌نگاران و اهالی رسانه و مطبوعات را هدف قرار داده و از مطبوعات ایران آنچه برای می‌ماند، روابط‌عمومی بی‌اراده است. تأیید صلاحیت روزنامه‌نگاران در دستان نهادهای دولتی است و با چماقی به نام پروانه، می‌توان آنان را به سکوت واداشت.

انتقاد

روحانی وقت دارد

● **مصطفی معین:** (رئیس‌جمهور) به‌طور غیرشفاف اشاره کردند که چرخه تصمیم‌گیری قبل از اینکه گزینه مورد نظر به مجلس معرفی شود، مانع شده است. به‌هرحال رهبری انتقال را مورد چند وزارتخانه تأکید ویژه دارند. یکی از این وزارتخانه‌ها وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. معلوم می‌شود که مقدمات و مراحل قبل از مجلس، موجب مطرح‌نشدن گزینه‌های قبل از غلامی بوده است… انتظار نداشتیم دانشجویان این‌طور شتاب‌زده به انتقاد بپردازند.

ایران

موضوع «سپنتا» نهضت خودجوش «دفاع از حقوق اقلیت‌ها» ایجاد کرد

● **علی یونسئ دستیار ویژه روحانی در امور اقلیت‌ها و قومیت‌ها:** در مسئله آقای سپنتا نیکام یا اسفند نیکنام، دولت وظیفه خود را انجام داد. دولت حق باید می‌کرد؟.. دولت باید انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا را برگزار می‌کرد که این اتفاق در همه شهرها از جمله یزد افتاد. در مرحله بعد هم، شورای شهر تشکیل شد که دولت موظف بوده که او را به رسمیت بشناسد که به رسمیت شناخته است. این شورا، به نوبه خود یک شهردار انتخاب کرد که دولت شهردار انتخابی این شورا را هم تأیید و حکم آن را صادر کرده است. اما پس از تشکیل شورا، اعتراض شد که در شهری با اکثریت مسلمان، یک غیرمسلمان نباید نماینده این شهر باشد… دولت معتقد است که شورا، قانون متفاوتی دارد. به این معنی که هرکس در صورت برخورداری از شرایط مندرج در قانون، می‌تواند در انتخابات شرکت کند. برای نامزدی در شورای شهر، مسلمان‌بودن شرط نیست و اقلیت‌های دینی هم می‌توانند نامزد شوند… اگر دولت [به ماجرای سپنتا نیکام] ورود زودهنگام می‌داشت، این احتمال وجود داشت که فشارها به دولت یا فردی مانند من که در آن زمینه مسئولیتی دارم، منتقل شود و آن‌وقت از سوی جریان مقابل، این‌طور عنوان شود که چرا شما این مشکل را ایجاد می‌کنید؟ حالا با سکوت اولیه ما، معلوم شد که چه کسانی این مشکلات را ایجاد می‌کنند و درنهایت تدبیر دولت عملا باعث شد یک «نهضت دفاع از حقوق شهروندی و اقلیت‌ها» در کشور به صورت خودجوش شکل بگیرد و این نهضت اکنون هم وجود دارد و شامل اصولگرها و اصلاح‌طلب‌ها می‌شود که این اتفاق بسیار مبارکی است. وقتی رهبر معظم انقلاب اعلام کردند اقلیت‌های دینی نجس نیستند، برخی برآشفته و ناراحت شدند. ایشان با این فتوا خدمت بزرگی به ایران کردند. ایشان بسیار به خانه رزشتنی‌ها، ارامنه و کلیهی‌ها رفتند، از شهدای آنان تجلیل کردند و از غذای آنان خوردند. دولت مُصر است که قانون اجرا شود. ما هم در حوزه مأموریت خود، گزارش و پیشنهادهایی برای حمایت از حقوق اقلیت‌ها به دکتر روحانی دادیم. رئیس‌جمهوری هم به استاندار یزد دستور داد که قانون دقیق اجرا شود. قوه قضائیه هم باید قانون را اجرا کند. اگر چنانچه مسئله حل نشود، باید به شورای حل اختلاف ارجاع یا از طریق مکانیسم‌های قانونی دیگر مثل مجمع تشخیص مصلحت، موضوع حل شود.

politics@sharghdaily.ir

حسین جلالی: نزدیک به چهار دهه از تسخیر سفارت

آمریکا در سال ۵۸ می‌گذرد؛ تسخیری که به نام دانشجویان خط‌امام و چپ‌ها تمام شد؛ سفارت آمریکا «لانه جاسوسی» نام گرفت و تسخیر آن «انقلاب دوم». آن زمان کمتر کسی با عمل عده‌ای جوان ۲۰ یا شاید هم ۲۲ساله مخالفت کرد و به تعبیری این‌عمل در زمان خود «مشروعیت اجتماعی» پیدا کرده است. سال‌ها از آن ماجرا گذشت و اجماع اجتماعی و سیاسی‌ای که در موافقت با این کار به وجود آمده بود، کم‌کم جای خود را به خوانش‌ها و موضع‌گیری‌های متفاوتی داد. جالب‌تر آنکه دانشجویانی که سفارت آمریکا را تسخیر کردند و در اول انقلاب به «چپ خط‌امامی» مشهور شده بودند، یکی، دو دهه بعد «چرخش» کردند و به‌جای مبارزه با امپریالیسم، دم از رابطه با جهان زدند. حتی یکی از دانشجویان محوری در ماجرای تسخیر، در روزهای «دوم خرداد» کار خود را اشتباه خواند. چیزی جای‌جا شده بود؛ چپ‌ها کم‌کم، «اصلاح‌طلب» خوانده می‌شدند و دموکراسی، آزادی و قانون را محور گفتمان خود قرار می‌دادند. به بهانه ۱۳ آبان در مصاحبه با محمدرضا تاجیک، استاد علوم‌سیاسی و استراتژیست اصلاح‌طلب، چرخش چپ‌های دیروز به اصلاح‌طلبان امروز را مورد مذاقه قرار دادیم. در ادامه مشروح گفت‌وگو با این استاد علوم‌سیاسی دانشگاه بهشتی را از نظر می‌گذرانید.

کا قبل از بحث درباره چپ خط‌امام و چرخش آن به اصلاح‌طلبان امروزی، بهتر است اول از به‌وجودآمدن چپ و راست در جمهوری اسلامی آغاز کنیم. تکوین این دو جریان خود را بیشتر در موضع‌گیری‌های اقتصادی نشان داد؛ اما این شکاف چقدر ناشی از گرایش‌ها و روابط اقتصادی گروه‌های سیاسی و چه میزان تحت تأثیر آشخورهای فکری آنها بود؟

شاید لازم باشد قبل از ورود به بحث، نوعی ایضاح مفهومی انجام دهم تا مردمان از چپ و راست مشخص شود. بی‌تردید چپ و راست همان مفهومی را نداشت و ندارد که در غرب با آن مواجه هستیم؛ اگرچه این مفهوم در غرب هم نوعی دیرینه‌شناسی و سیر تطور و تحول دارد. اگر بخواهیم برای مفهوم چپ و راست آغازی در جهان غرب قائل بشویم، باید به انقلاب فرانسه بازگردیم؛ در پارلمان فرانسه رادیکال‌ها و جمهوری‌خواهان چپ می‌فرستدند و مشروطه‌خواهان و محافظه‌کاران راست. دیری نمی‌پاید که ما با کم‌سوشدن مشروطه‌خواهی و سلطنت مواجه می‌شویم و این دوانگاری اندک اندک محو می‌شود و اینجاست که مفهوم چپ و راست دچار تحول می‌شود. این بار چپ و راست حول مذهب شکل می‌گیرد. کلیسای‌ها و مذهبی‌ها راست محسوب می‌شوند و دیدگاه‌های لائیک و سکولار عمدتا چپ قلمداد می‌شوند. این دوانگاری تا اواخر قرن هجدهم که کلیسا تسلطی داشت، باقی ماند؛ اما اندک اندک مفهوم چپ و راست وارد مفاهیم اجتماعی می‌شود و یک سویه اجتماعی به خود می‌گیرد تا در قرن ۱۹ که شاهد بروز و ظهور سوسیالیسم هستیم. سوسیالیست‌ها و مارکسیست‌ها چپ نامیده می‌شوند و در مقابل آنها، لیبرال‌ها و گروه‌های سرمایه‌دار راست قلمداد می‌شوند. از آن زمان تا به حال، این دوانگاری تحول و تطوره‌های دیگری را نیز از سر گذرانده است. هرچند این سیر تطور و تحول بر ایران بی‌تأثیر نبود و در ۱۵۰ سال اخیر، شاید به تعبیر امام همه «ید واحده» می‌شوند. روایت انقلاب‌ها از آغاز تا پیروزی یک روایت است و از پیروزی به بعد روایتی دیگر است. از فردای استقرار هرکسی می‌خواهد گفتمان خودش را بر منزلت استعلایی بشناسد؛ گفتمان خودش را هژمونیک کند. گفتمانی ترسیم نمی‌شود که همه گروه‌هایی را که در انقلاب مشارکت داشتند، در بافت خود سهیم کند. ازاین‌رو است که می‌گویند «انقلاب فرزندان خودش را می‌خورد». بعد از انقلاب ریزش شروع می‌شود و عده‌ای از خودی‌ها به ناخودی تبدیل می‌شوند و در مقابل یکدیگر صف‌آرایی می‌کنند. مسئله چپ و راست ما هم همین است؛ قبل از انقلاب ما گروه‌های مختلف مذهبی داشتیم. بعضی در مکتب شریعتی رشد کرده بودند و از یک نگاه سوسیالیستی و به تعبیر خود شریعتی «مارکس وبری» نگاه می‌کردند، از یک دیدگاه اگزیستانسیالیستی و اومانیستی به اسلام نگاه می‌کردند و تلاش می‌کردند که تضاد طبقاتی را از بین ببرند، تلاش می‌کردند که مستضعفان را جی پرتولاریا نبشانند. بی‌تردید عده زیادی از روشنفکران ما قبل از انقلاب تحت تأثیر آموزه‌های شریعتی بودند.

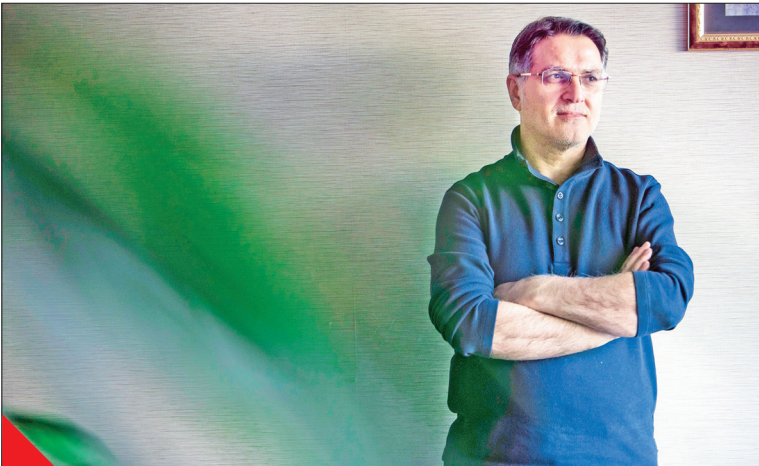
اختلاف منظر شما ریشه در قبل از انقلاب داشت و نمی‌توان آن را صرفا در بُعد اقتصادی خلاصه کرد و کسانی را که رابطه وسیع و تنگاتنگی با بازار یا به‌اصطلاح بورژوازی جامعه ما داشتند، راست تلقی کرد و کسانی را که به اقتصاد دولتی و به عمومی و ملی‌کردن صنایع معتقد بودند، چپ فرض کرد. اگرچه طبیعه، ترجمان و تجلی چپ بعد از انقلاب را به شکلی در دولت میرحسین می‌بینیم؛ اما داشته باشید که دولت میرحسین تلفیقی است میان دیدگاه‌های چپ و اصولگرایی؛ یعنی چپ اصولگر. آن چیزی که باید به آن توجه کنیم، این است که در دهه اول انقلاب ما، در پس و پشت گفتمان مسلط انقلابی شیچی از سوسیالیسم و مارکسیسم وجود دارد. بنابراین روی بسیاری از مقادیم سوسیالیستی و مارکسیستی به تعبیر «لاکانی» روکش و آستر دینی کشیده می‌شود؛ تلاش می‌شود جامعه بی‌طبقه توحیدی شکل بگیرد، تلاش می‌شود از شورا همان شکل سوسیالیستی آن به دست آید. تلاش می‌شود اولین سوسیالیست عالم حضرت امیر معرفی شود و در مجموع تلاش می‌شود تفسیر و خوانشی سوسیالیستی از اسلام به‌دست آید. شاید گزاره امام خیلی شایان توجه باشد؛ امام آن زمان گفت: «خاوند کارگر است». می‌خواهم بگویم روایت فصل چپ و راست بعد از انقلاب را صرفا نمی‌توان از بُعد اقتصادی دید.

چپ آن زمان، گرایش ضدامریکایی و ضدغرب داشت؛ نوعی گرایش به ولایت مطلقه فقیه، نوعی برابری اقتصادی و ازبین‌بردن فاصله طبقات اقتصادی و ملی‌کردن صنایع و اراضی. همه اینها به شکلی چپ اصولگرای ما را شکل می‌دادند که در زمینه‌های متفاوت به اعتقاد من، ریشه در تفکرات سوسیالیستی داشت. تفکرات سوسیالیستی سایه سنگین خودش را داشت و بعضی از روشنفکران

سیاست

تبارشناسی جریان چپ خط‌امامی در گفت‌وگو با محمدرضا تاجیک

چپ‌های خط‌امامی چگونه اصلاح‌طلب شدند



عکس: رونوف رستنی، شرق

شما پاسخ دهم من مسئله را صرفا به تفاوت در امر اقتصادی تقلیل نمی‌دهم. به‌نظر من این شقاق پسین گفتمانی دارد. این پسینی گفتمانی هم لزوما برای دوران پس‌انقلاب نیست، پیش از انقلاب هم نشانه‌های آن را می‌بینیم؛ از گروه‌های دینی که اساسا که منتظران امام زمان هستند- انجمن حجّتیہ - تا گروه‌هایی که بسیار رادیکال عمل می‌کنند و با رژیم، مبارزه مسلحانه می‌کنند. بنابراین ما طیف وسیعی از گروه‌های مذهبی را پیش از انقلاب می‌بینیم که به اشکال گوناگون بعد از انقلاب بروز و ظهور می‌کنند. شاید آشکارترین بروز و ظهور این گرایش‌ها در فضای اقتصادی بود. موضوعات اقتصادی بعد از انقلاب نمود خاصی پیدا کرد، خصوصا در دولت آقای موسوی که مخالفانی جدی داشت. فرض این بود که اقتصاد دارد سوسیالیستی می‌شود، دوران جنگ بود مسائلی مثل کوپنی‌شدن اقتصاد و… به مذاق برخی خوش نیامد و مواضعی را اتخاذ کردند و همان مواضع پرورش پیدا کرد و تبدیل به نوعی راست شد. البته راست هم درون خودش گرایش‌های متفاوتی داشت که تا امروز ادامه دارد.

آقای دکتر این تعبیر را چقدر درست می‌دانید که راست اول انقلاب، بایی در فقه داشت و چپ

ادامه سنت روشنفکری دینی بود؟

تا حدودی می‌پذیرم. از این جهت می‌گویم که تا حدودی چپ اول انقلاب نه اینکه از فقه دور باشد بلکه «فقه پویا» را مطرح کرد. یعنی می‌توان گفت فقه سنتی، فقه محافظه‌کاری است و نمی‌تواند به پرسش‌های نسل و عصر ما پاسخ دهد و ما به یک فقه پویا احتیاج داریم؛ فقهی که خود در حال سیوروت باشد. به فقهی احتیاج داریم که فرزند خلف زمانش باشد و روح زمانش را تشخیص دهد. بنابراین فقه پویا را مطرح کردند اما قبول دارم که تأثیر جدی‌ای از روشنفکری و به تعبیری نواندیشی دینی داشتند و شاید سمبل این روشنفکری دینی، شریعتی‌بود. شریعتی، که معلم انقلاب لقب می‌گیرد، در جای‌جای دیدگاه‌های و اندیشه‌های سوسیالیستی، و اگزیستانسیالیستی و اومانیستی دیده می‌شود. طبیعتا اقتضای زمانه بود؛ جوانان ما فوج فوج به مارکسیسم گرایش پیدا می‌کردند و مارکسیسم را ایدئولوژی راه‌ای و مقاومت فرض می‌کردند. جوانان به دنبال ایدئولوژی‌ای بودند که برای آنها راه‌ای را به ارمغان بیاورد و این را در آموزه‌های شریعتی یافتند. شریعتی به یک معنادن را ایدئولوژیک کرد، از دین یک ایدئولوژی به دست آورد. بسیار از جوانان تلاش کردند که آموزه‌های او را رنگ واقعیت ببخشند. تلاش کردند او را از عرصه تنوریک وارد عرصه پراتیک کنند و با آن یک جامعه را اداره کنند و یک جامعه آید، را بسازند. بنابراین قبول دارم که جریان اصلی چپ بیشتر از روشنفکری دینی ما تأثیر داشت اما بی‌تردید نیم‌نگاهی هم به فقه داشت اما فقه پویایی که خود مطرح می‌کرد.

کا از اینجا به بعد چپ و راست در بستر واقعیت و اتفاقاتی که رخ می‌دهد، راه متفاوتی را طی می‌کنند. چپ خط اسام دوران گذاری را طی می‌کند تا در دوم خرداد ۷۶ دوباره به عرصه قدرت بازمی‌گردد. چند ماه بعد نیز واژه اصلاح‌طلبی پدید می‌آید و بر سر زبان‌ها می‌افتد و چپ خط‌امامی به اصلاح‌طلبان مشهور می‌شوند. شما این چرخش را چگونه توضیح می‌دهید؟
در سیر تطور یک گفتمان یا یک جریان سیاسی، علل و عوامل گوناگونی تأثیر دارد. یکی مقتضیات زمانه است. جریان‌ها تاریخ‌م‌ن‌دند، فراتاریخی نیستند. گفتمان‌ها تاریخ‌م‌ن‌دند، فراتاریخی نیستند. تاریخ در هر لحظه خودش مقتضیات متفاوتی دارد. تاریخ در حال سیوروت است و هر لحظه نقشی را طلب می‌کند. تاریخ نیازنده که گفتمان‌ها بتوانند بایستند، به عبارتی کانتکست جامعه دچار تغییر می‌شود، کتکست [متن] هم باید دچار تحول شود وگرنه بین تکست و کانتکست جدایی می‌افتد و اینها دیگر با هم دیالوگی نخواهند داشت. ذائقه جامعه عوض شده و تکستی که هنوز در گذشته باقی مانده است دیگران را می‌خواند تا تاریخ به عقب بازگردد. راز و رمز اینکه بسیاری از گفتمان‌ها و جریان‌ها به

محاق تاریخ می‌روند همین است که همسو با تاریخ حرکت نمی‌کنند و روح زمانه خودشان را تشخیص نمی‌دهند. اما این یک قضیه است. بعد دوم قضیه این است که ما یک شیفتی در روشنفکری دینی داشتیم. روشنفکری دینی قبل از انقلاب اصلا شبیه روشنفکری دینی بعد از انقلاب ما نیست. نمود روشنفکری دینی بعد از انقلاب امثال سروش، مجتهد شبستری و ملکیان هستند. اینها یک زاویه انتقادی با امثال شریعتی می‌گیرند و نسبت به ایدئولوژیک‌کردن دین انتقاد می‌کنند. این روشنفکران می‌آیند تا از رهگذار گفتمانی تغییر ایجاد کنند، از یک رهگذار دموکراتیک وارد فضای می‌شوند و سایه سنگینش را بر تأثیرات منظرشان حرکت می‌کنند و دیگر شاهد راه‌کارهای رادیکال نیستیم. اینجا دقایق گفتمانی چپ دچار تغییر می‌شود و از عدالت به آزادی شیفت می‌کند، به سمت دموکراسی، پلورالیسم و به سمت گفتمان به‌جای ایدئولوژی. این شیفتی است که در روشنفکری ما ایجاد می‌شود و سایه سنگینش را بر جریان چپ می‌اندازد.

پس در درون جریان روشنفکری دینی ما این شیفت وجود داشته، در کانتکست اجتماعی ما هم این شیفت به‌سرعت رخ داد اصلا جریان روشنفکری در همین بستر صورت می‌گیرد. مضافا در دهه اول انقلاب، یک فضای ایدئولوژیک بر جامعه حاکم است که به دوره جنگ هم متصل می‌شود و در این فضای ایدئولوژیک است که چپ معنا پیدا می‌کند. بنابراین تمام مواضع چپ‌ها رادیکال است، هر قدر رادیکال‌تر چپ‌تر، هر قدر پوپولیست‌تر چپ‌تر، هر قدر آنتی‌امریکات چپ‌تر. اما همان‌طور که از اول انقلاب دور می‌شود یک شیفت گفتمانی، یک نوع استحاله گفتمانی در جریان چپ حادث می‌شود و از حالت رادیکال به سمت ملایم‌ترشدن و دموکراتیک‌ترشدن حرکت می‌کند.

کا چند نگاه تاریخی بر می‌شمارند که بر چرخش جریان چپ بسیار مؤثر بود، مثلا ف‌وت امام و فروپاشی بلوک شرق اما یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که رخ می‌دهد درصلاحیت چپ‌ها در انتخابات مجلس چهارم و به تعبیری شروع حذف آرام‌آرام آنها از قدرت است. اگر چپ‌ها از قدرت کنار گذاشته نمی‌شدند، آیا باز هم شاهد چرخش این گروه به ارزش‌هایی همچون آزادی و دموکراسی می‌بودیم؟ یا عبارت دیگر این چرخش حاصل پتانسیل درونی چپ بود، به عبارت دیگر آیا چرخش به اصلاح‌طلبی آینده محتم آنها بود یا شیفتی تاکتیکی بود برای تصاحب قدرت از پایین (اجتماع)؟

به نظر هم سؤال، جدی و زیرکانه است. اجازه بدهید در جغرافیای مشترکی بایستم و از آن منظر پاسخ دهم. بی‌تردید یک جریان وقتی در موقعیت other (غیر و دیگری) قرار می‌گیرد، شکلی از یادگفتمان پیدا می‌کند؛ وقتی بر سیریر قدرتی و در قدرتی ذیل گفتمان مسلط هژمونیک قرار داری و مقتضیات و دقایق بر اساس گفتمان مسلط ترسیم می‌شود. وقتی بیرون آن قرار می‌گیری کفتمان رنگ پیدا می‌کند. وقتی رنگ یادگفتمان بگری طبیعتا سویه‌های ایزوسیونی، چه به صورت لطیف و چه به صورت رادیکال (بسته به اقتضانات زمانه)، اتخاذ می‌کنی. بنابراین بی‌تردید اینکه در قدرت باشی یا بر قدرت باشی، درون قدرت باشی یا بیرون قدرت باشی در فضای گفتمانی بی‌تأثیر نیست. این درباره جریان چپ هم بی‌تأثیر نبود اما خلاصه‌کردن مطلب به اینکه یک شرایط خاص این تغییر را بر جریان چپ تحمیل کرد. یک نوع تقلیل‌گرایی و سطحی‌کردن سطح تحلیل است. ما باید علل و عوامل گوناگونی را که بر این چرخش تأثیر گذاشتند پیدا کنیم. دوستانی که در جریان سیر تطور روشنفکری دینی هستند، می‌دانند چنین زمانی که چپ از قدرت حذف نشده بود این سیر تطور در اندیشه شروع شده بود.

کا چرخش چپ به اصلاح‌طلب هنوز هم برای بسیاری گنگ است بعضی‌ها این شیفت را صادقانه و پایدار می‌دانند و برخی دیگر آن را حاصل تلاش چپ‌ها برای رسیدن به قدرت. شما در مصاحبه یک ماه پیش خود با روزنامه اعتماد از لفظ «اصلاح‌طلبان کاذب» استفاده کردید. چطور می‌توان مطمئن بود که این گفتمان بعد از رسیدن به قدرت آرمان‌ها و اهدافش را تغییر نمی‌دهد؟ به عبارتی چطور می‌توان «اصلاح‌طلبان کاذب» را از اصلاح‌طلبان واقعی شناسایی کرد؟

دست روی یک نکته آسیب‌شناختی گذاشتید که من هم به‌شدت مشغول آن هستم و دل‌آشوب این روزهای من است. معتقدم که امروز درباره بسیاری از اصلاح‌طلبانمان این حکم جاری است که اصلاح‌طلبی بدون اصلاح‌طلب داریم؛ یعنی کسانی که اصلاح‌طلبی‌کاملا ابزاری استفاده می‌کنند، کاملا در جهت منافع و قدرت خودشان از آن استفاده می‌کنند. اصلاح‌طلبی را کارتی می‌دانند که می‌توانند آن را روی میز بگذارند و چون کارتی در دست دارند می‌توانند پشت میز قدرت حاضر شوند. همه درشان هم این است که مامت و حیات اصلاح‌طلبی را به مایکروفریزیک قدرت خلاصه کنند که اگر سا در مایکروفریزیک قدرت حضور داشتیم، حیات داریم و هستیم و اگر نبودیم در حال احتضاریم و مرده‌ایم. بنابراین برای اینکه در بازی قدرت حضور داشته باشیم، حاضریم صورتک دیگران را به چهره بگذاریم، به صورت دیگران درآیم تا امکان حضور در بازی قدرت را داشته باشیم.

ادامه در صفحه ۷

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

کیمیان

- احمدی‌نژاد در دیدار امیل لحود؛ ملت لبنان افتخار همه منطقه است
- جلال طالبانی، رئیس‌جمهور عراق؛ ایران نقش مهمی در برقراری ثبات عراق ایفا کرده است
- مجید مجیدی، فیلم‌ساز؛ با افتخار از انقلاب و شهدا دفاع می‌کنم
- ریچارد هاس، رئیس شورای روابط خارجی آمریکا؛ مذاکره با ایران باید اولویت اول رئیس‌جمهور بعدی آمریکا باشد
- سیدعلی ادیانی، مخبر کمیسیون انرژی مجلس، خبر داد: توافق قطعی ایران و ترکمنستان در بهای گاز وارداتی
- شیخ نعیم قاسم، معاون دبیرکل حزب‌الله؛ اسرائیل را با همکاری نیروهای ارتش و مقاومت به زانو درمی‌آوریم
- وزیر خارجه برزیل در دیدار با جلیلی، دبیر شورای عالی امنیت؛ آژانس باید در پرونده هسته‌ای ایران محور باشد

انتقاد

- وزیر بدون مدافع در بهارستان؛ کردان امروز به استیضاح مجلس پاسخ می‌گوید
- سیدمحمد خاتمی، در دیدار با نخبگان پوشهر: توزیع فقر هنر نیست
- هشدار مجید انصاری درباره وضعیت اقتصادی کشور؛ اداره کشور با شیوه آزمون و خطا نادرست است
- اکبر ترک‌ان عنوان کرد: نودری به خواست رئیس‌جمهور مدیران نفت را تغییر داد
- محمد صدر، معاون وزارت خارجه دولت خاتمی: دولت بوش اهل مذاکره نیست
- فاطمه رجبی، همسر سخنگوی دولت: صداوسیما احمدی‌نژاد را تخریب می‌کند
- علی‌دورانی، دبیرکل جمعیت آبادگران: اصولگرایان واقعی راهشان را جدا کنند

ایران

- احمدی‌نژاد در دیدار با امیل لحود، رئیس‌جمهور سابق لبنان؛ رژیم صهیونیستی با حیله و نیرنگ تلاش دارد درگیری در منطقه ایجاد کند
- حمید مولانا، دبیرلماسی احمدی‌نژاد جامع و پایدار است
- نانس آموریوم، وزیر خارجه برزیل، در دیدار با دبیر شورای عالی امنیت؛ تأکید برزیل بر بازگشت پرونده هسته‌ای ایران به مسیر عادی
- الهام، سخنگوی دولت؛ ارتباط با مراجع افتخار دولت نهم است
- ابوترابی‌فرد، نایب‌رئیس مجلس؛ مهم‌ترین دستاورد تسخیر لانه جاسوسی، استقلال کشور بود
- سلیمی‌نمین، مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران؛ برای اولین‌بار جاسبی مجبور به پاسخ‌گویی شد
- طه طاهری، جانشین دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر؛ بحران امنیتی مواد مخدر در کشور جدی است

انتقاد

- احمدی‌نژاد؛ تهران و دهلی‌نو هیچ اختلاف با هم ندارند
- سیدمحمد خاتمی؛ کسانی که فقط از مردم توقع اطاعت دارند نباید محور قرار گیرند
- مجید انصاری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ برخی فکر می‌کنند مسائل اقتصادی با ان‌شالله حل می‌شود
- علی یونسئ، وزیر اطلاعات دولت اصلاحات؛ هر ۱۰ نفر، فقر نفر حسرت دوره خاتمی را می‌خورند
- جوانفکر، مشاور احمدی‌نژاد؛ انتخاب احمدی‌نژاد هوشمندانه‌ترین انتخاب مردم بود
- علی‌اصغر حسنی، نماینده مجلس؛ شرکت کاندیدهای ناشناخته در انتخابات بی‌فایده است
- رضا طلایی‌یک، دبیرکل حزب توسعه و عدالت؛ فقدان برنامه شفاف از معضلات انتخابات ریاست‌جمهوری است

جمهوری اسلامی

- احمدی‌نژاد در دیدار رئیس‌جمهور سابق لبنان؛ ملت لبنان می‌تواند توطئه‌های رژیم صهیونیستی را درهم بشکند
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی؛ اصلاح اساسنامه دانشگاه آزاد فقط با درخواست هیئت مؤسس امکان‌پذیر است
- هاشمی‌شاهرودی؛ باید اقتدار ایران را به جهانیان ثابت کرد
- حسن ونایی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس؛ قوانین مصوب مجلس و قانون بودجه ۸۷ نادرده گرفته می‌شود
- داوود دانش‌جعفری، وزیر سابق اقتصاد؛ رویکرد فعلی بانک مرکزی به معنای حمایت از یک ارز خاص نیست
- محمدرضا مقدم، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس؛ دولت برای اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده عجله داشت
- محسن هاشمی، مدیرعامل شرکت مترو؛ دولت حتی یک دلار از منابع ارزی به مترو تهران نداده است